

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی

گروه زبان‌شناسی، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان

و

فرهنگ و زبان‌های باستانی

بررسی قواعد گرایس و نقش آنها در تبیین روابط قدرت بین جنسیت‌ها: بررسی مکالمات سه فیلم از اصغر فرهادی

استاد راهنما: دکتر فرزانه سجودی

استاد مشاور: دکتر کورش صفوی

نگارنده: علی موسوی‌ده‌شیر

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد

در رشته‌ی

زبان‌شناسی همگانی

تابستان ۱۳۹۰ خورشید

تقدیر و تشکر

بر خود واجب می‌دانم تا در اینجا از زحمات بی‌دریغ آقای دکتر فرزاد سجودی که با سعه‌ی صدر مرا در نگارش این پایان‌نامه راهنمایی کردند، قدردانی کنم. از استاد مهربان و همیشه دوست‌داشتنی، آقای دکتر کورش صفوی نیز تشکر می‌کنم؛ ایشان بسیار به من آموختند.

در مدتی که در دانشگاه علامه طباطبایی تحصیل کردم، در محضر اکثر اساتید زبان‌شناسی آنجا، حضور یافته و از دریای مهربانی و دانش ایشان بهره‌مند گشتم؛ لذا بر خود می‌دانم تا از کسانی چون آقای دکتر محمد دبیرمقدم، آقای دکتر مجتبی منشی‌زاده، خانم دکتر ویدا شقاقی، خانم دکتر گلناز مدرسی‌قوامی و خانم دکتر شهلا رقیب‌دوست سپاسگزاری نمایم.

البته هیچ‌گاه زحمات و دلگرمی دوستانم آقایان حسین آذربایجانی، صمد هادی و مهدی فتاحی را

فراموش نخواهم کرد.

تقدیم به

پدر

مادر

و همسر،

که از اعماق وجود عشقشان را نسبت به خود احساس کرده‌ام...

چکیده

در این تحقیق سعی بر آن بود تا رابطه‌ی بین نقض قواعد مکالمه‌ای گرایس و روابط قدرت بین جنسیت‌ها، مورد بررسی قرار بگیرد. از آن جهت که قواعد مذکور اصولاً در مورد مکالمه مطرح می‌شوند، تصمیم گرفته شد تا از دیالوگ‌های سه فیلم از اصغر فرهادی، با نام‌های «شهر زیبا»، «چهارشنبه سوری» و «درباره‌ی الی» به عنوان داده‌های زبانی استفاده شود. این تحقیق در چارچوب نظریه‌ی اصل همکاری گرایس و قواعد مکالمه‌ای و ارتباطی که نقض این قواعد با نمایش قدرت و یا ضعف مشارکین در مکالمه دارد، انجام شده‌است. ساختار تحقیق نیز اینگونه بوده‌است که در فصل اول مقدمه و کلیات ذکر شده‌اند؛ فصل دوم به ذکر پیشینه‌ی مطالعات اختصاص یافته‌است؛ در فصل سوم چارچوب نظری تحقیق مطرح شده‌است؛ در فصل چهارم داده‌های مورد نظر، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند و در نهایت، فصل پنجم به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری اختصاص یافته‌است. در این تحقیق دو پرسش مطرح بود: ۱. نقض قواعد مکالمه چه کارکردی در تبیین روابط قدرت بین مشارکین دارد؟ ۲. موارد نقض قواعد مکالمه در کدام جنسیت بسامد بیشتری دارد؟ در نهایت پاسخ‌هایی که به این دو پرسش داده شد، اینگونه بودند:

در پاسخ به پرسش اول اینگونه نتیجه‌گیری شد که نقض قواعد مکالمه می‌تواند به دلیل تفاوت سطح قدرت مشارکین رخ دهد. در پاسخ به پرسش دوم نیز این نتیجه حاصل شد که در فیلم‌هایی که شخصیت‌ها اکثراً مؤنث هستند، نقض قواعد مکالمه بیشتر از سوی آنها رخ می‌دهد؛ و در شرایطی که شخصیت‌ها اکثراً مذکر باشند، نقض قواعد بیشتر از سوی جنسیت مذکر اتفاق می‌افتد. در نتیجه نمی‌توان گفت که کدامیک از جنسیت‌ها در موارد بیشتری قواعد مکالمه را نادیده می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: کاربرد شناسی، نقض قواعد گرایس، روابط قدرت، گفتمان دراماتیک

فهرست مطالب

عنوان.....صفحه

فصل اول: مقدمه.....

۱.۱ مقدمه..... ۲

۲.۱ طرح مسئله و اهمیت موضوع..... ۵

۳.۱ پرسش‌های تحقیق..... ۶

۴.۱ ساختار تحقیق..... ۶

فصل دوم: پیشینه‌ی مطالعات.....

۱.۲ مقدمه..... ۸

۲.۲ کاربردشناسی..... ۸

۳.۲ مکالمه و آراء گرایس..... ۱۰

۴.۲ گفتمان دراماتیک..... ۱۲

۵.۲ پیکره‌ی تحقیق..... ۱۴

فصل سوم: چارچوب نظری.....

۱.۳ کاربردشناسی..... ۱۶

۲.۳ مکالمه..... ۱۷

۳.۳ گفتمان دراماتیک..... ۲۰

۴.۳ گرایس و اصل همکاری..... ۲۲

۱.۴.۳ قواعد مکالمه‌ای..... ۲۳

۲.۴.۳ نقض قواعد مکالمه‌ای، معنای ضمنی..... ۲۵

۱.۲.۴.۳ نقض قاعده‌ی کمیت..... ۲۷

| | |
|----|--|
| ۲۷ | نقض قاعده‌ی کیفیت |
| ۲۸ | نقض قاعده‌ی ارتباط |
| ۲۹ | نقض قاعده‌ی شیوه |
| ۲۹ | محدودیت‌های اصل همکاری |
| ۳۰ | کاربردشناسی و قدرت |
| | فصل چهارم: تحلیل داده‌ها |
| ۳۴ | ۱.۴ تحلیل فیلم «چهارشنبه سوری» |
| ۳۴ | ۱.۱.۴ توصیف بافت و شخصیت‌ها |
| ۳۴ | ۲.۱.۴ تحلیل موارد نقض قواعد مکالمه در فیلم «چهارشنبه سوری» |
| ۴۰ | ۲.۴ تحلیل فیلم «درباره‌ی الی» |
| ۴۰ | ۱.۲.۴ توصیف بافت و شخصیت‌ها |
| ۴۱ | ۲.۲.۴ تحلیل موارد نقض قواعد مکالمه در فیلم «درباره‌ی الی» |
| ۴۸ | ۳.۴ تحلیل فیلم «شهرِ زیبا» |
| ۴۸ | ۱.۳.۴ توصیف بافت و شخصیت‌ها |
| ۴۹ | ۲.۳.۴ تحلیل موارد نقض قواعد مکالمه در فیلم «شهرِ زیبا» |
| | فصل پنجم: نتیجه‌گیری |
| ۵۶ | ۱.۵ خلاصه‌ی تحقیق |
| ۵۷ | ۲.۵ جمع‌بندی و بررسی نهایی |
| ۶۰ | ۳.۵ پیشنهاداتی برای مطالعات آینده |
| ۶۱ | فهرست منابع |
| ۶۴ | پیوست |

فصل اول

مقدمه

۱.۱ مقدمه

پل گرایس^۱ (۱۹۱۳-۱۹۸۸)، فیلسوف بریتانیایی، به واسطه‌ی آثارش در باب فلسفه‌ی زبان، شهرت زیادی کسب کرده‌است. او تنها دو مقاله در این رابطه نوشته‌است - «معنا^۲» و «منطق و مکالمه^۳» - اما همین دو اثر باعث شده‌اند تا در تمام متونی که به فلسفه‌ی زبان، زبان‌شناسی و علوم‌شناختی می‌پردازند، نامی از گرایس نیز به میان آید (پتروس^۴ ۲۰۱۰، ص ۱). مشهورترین نظریه‌ی گرایس *اصل همکاری*^۵ نام دارد. گرایس اصل همکاری را یک *فرا اصل*^۶ (۱۹۸۹، ص ۳۶۹-۳۶۸) می‌داند، که شکل کلی *چهار قاعده‌ی مکالمه‌ای*^۷ دیگر می‌باشد. این چهار قاعده، که به ادعای گرایس، مشارکین در گفتگو معمولاً از آنها پیروی می‌کنند، عبارتند از:

الف) **قاعده‌ی کمیت**^۸: ۱- سهم خود را از نظر اطلاع‌دهی به میزانی برسانید که اهداف تبادل‌ی موجود نیازمند آن است.

۲- سهم خود را از نظر اطلاع‌دهی فراتر از میزان لازم نبرید.

ب) **قاعده‌ی کیفیت**^۹: سعی کنید سهم خود را بر اساس صداقت قرار دهید.

۱- چیزی را که معتقدید نادرست است، بیان نکنید.

۲- چیزی را که در مورد آن شواهد کافی ندارید بیان نکنید.

ج) **قاعده‌ی ارتباط**^{۱۰}: بی‌ربط سخن نگوئید.

¹ Paul Grice

² Meaning

³ Logic and Conversation

⁴ Petrus

⁵ Cooperative Principle

⁶ Super Principle or Supreme Principle

⁷ Conversational Maxim

⁸ Quantity

⁹ Quality

¹⁰ Relation

د) **قاعده‌ی شیوه^۱**: واضح سخن بگویید.

۱- از ابهام بپرهیزید.

۲- از ابهام بپرهیزید.

۳- موجز باشید و از اطناب بپرهیزید.

۴- پیوستگی/نظم را در کلام رعایت کنید.

(موارد فوق برگرفته از گرایس، ۱۹۷۵، به نقل از یول، ۱۹۹۶، ترجمه‌ی عموزاده-

توانگر)

البته در مواردی این اصول رعایت نمی‌شوند. ممکن است کسی با هدف گمراه کردن دیگران قاعده کیفیت را نقض کند، و یا به دلایلی نتواند در مکالمه همکاری نماید؛ به عنوان مثال، به دلایل قانونی از دادن اطلاعات به دیگری منع شده‌باشد. همچنین ممکن است کسی با هدف رساندن معنای ضمنی^۲ قاعده‌ای را نقض کند(گرایس، ۱۹۸۹، ص ۳۰). " در این هنگام می‌توان از آنچه که گفته شده، با توجه به چیزهایی که گفته نشده است، مفاهیمی ضمنی استنباط کرد." (کریستال^۳ ۲۰۰۸، ص ۱۱۵). در این موارد که قاعده‌ی همکاری رعایت نمی‌شود، همچنان همکاری زبانی قابل مشاهده است. بنابراین معنای ضمنی معنایی است که با توجه به پاره‌گفتار و قواعد حاکم بر مکالمه درک، و از نقض قواعد ناشی می‌شود.

گرایس می‌گوید افراد برای درک معنای ضمنی، از داده‌های زیر استفاده می‌کنند:

- معنای قراردادی کلمات مورد استفاده، به همراه هویت همه‌ی مرجع‌های دخیل
- اصل همکاری و قواعد مکالمه
- بافت زبانی و غیرزبانی گفتار

¹ Manner
² Implicature
³ Crystal

- دانش پس‌زمینه‌ای

- آگاهی مشارکین از این نکته که موارد فوق جز دانش یا فرضیات مشترک آنها هستند (گرایس ۱۹۷۵، ص ۵۰).

زبان و قدرت^۱

«قدرت یکی از اساسی‌ترین روابط اجتماعی متقابل است. مطالعات مربوط به الگوهای روابط رسمی در میان گروه‌های کوچک، نشان می‌دهد که در روابط بین افراد، قدرت و پایگاه (منزلت) آنان در تثبیت شبکه‌های اجتماعی‌شان تاثیر مستقیم دارد، و از این روی، از قدرت به عنوان شاخصی برای عمل اجتماعی نام برده می‌شود.» (فندهاری ۱۳۸۲، ص ۳۲، به نقل از کره‌ئی ۱۳۸۵، ص ۸).

«قدرت در 'درون' گفتمان و 'بیرون' از آن، برای هیچ شخص یا گروه خاصی یک ویژگی همیشگی و ثابت محسوب نمی‌شود. بلکه آنان که قدرت را در زمانی مشخص در دست دارند، همواره باید در تثبیت و حفظ آن بکوشند؛ و نیز آنانی که قدرتی ندارند، به طور پیوسته در جستجوی آن هستند. این مسئله، چه در سطح یک شخص، چه در سطح یک نهاد اجتماعی و چه در سطح یک جامعه صادق است: قدرت در تمامی این سطوح به واسطه‌ی نزاع اجتماعی بدست می‌آید، حفظ می‌شود، اعمال می‌گردد و نیز از دست می‌رود.» (فرکلاف^۲، ۲۰۰۱، ص ۵۷).

«قدرت در تحلیل گفتمان/انتقادی^۳ عموماً به منزله‌ی چیزیست که در دست بعضی‌ها هست، و در دست بعضی‌ها نیست. از این روست که در این نگرش، بسیار صحبت از روابط نابرابر قدرت و نابرابری‌های اجتماعی می‌شود. ... تحلیلگران گفتمان انتقادی، برداشتی از قدرت دارند، که بر اساس آن جامعه به طبقاتی تقسیم می‌شود، که در آن عده‌ای صاحب قدرتمند و بر دیگران حکم

¹ Power

² Fairclough

³ Critical Discourse Analysis

می‌رانند. وضعیتی که منتهی به وجود ظلم و نابرابری اجتماعی در جامعه می‌شود.» (سلطانی ۱۳۸۳، صص ۲۴ و ۲۵).

۲.۱ طرح مسئله و اهمیت موضوع

در این رساله سعی شده است تا موارد نقض قواعد مکالمه در سه فیلم از اصغر فرهادی، با نام- های شهرِ زیبا (۱۳۸۲)، چهارشنبه سوری (۱۳۸۴) و درباره‌ی الی (۱۳۸۷) شناسایی شده، و سپس از آنها به عنوان ابزاری برای استنباط مواضع متفاوتِ قدرت مشارکین، استفاده گردد. هدفِ دیگر آن بوده است که ببینیم که افراد معمولاً به چه دلایلی در موضع قدرت یا ضعف قرار می‌گیرند و نیز اینکه چه تفاوتی بین جنسیت‌ها در این زمینه وجود دارد.

تحقیق در این زمینه از آن جهت اهمیت دارد که می‌تواند داده‌هایی برای پژوهش‌های کاربردشناسی، تحلیل گفتمان، مطالعات زنان و ... از طریق توصیف نگاه جامعه‌ی درون فیلم‌ها نسبت به مرد و زن و روابط قدرت بین آنها فراهم آورد. همچنین از آنجا که فیلم‌های مورد بررسی، در مقاطع زمانی متفاوت ساخته شده‌اند، نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به عنوان داده برای تحقیقات در زمینه جامعه‌شناسی زبان و تحول زبان مورد استفاده قرارگیرد.

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون فیلم‌هایی که به زبان فارسی ساخته شده‌اند، در چارچوب قواعد گرایس مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. تنها پژوهش تقریباً مرتبط، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشدِ خانم امرالهی (۱۳۸۸) می‌باشد که در آن چند نمایشنامه از اکبر رادی از دیدگاهِ گرایس بررسی شده‌اند.

از آنجائیکه قواعد گرایس در باب مکالمه مطرح شده‌اند، و متون نمایشی و فیلمنامه‌ها نیز بر پایه‌ی مکالمات پیش می‌روند، بررسی این متون با توجه به قواعد مکالمه و چگونگی رعایت و یا نقض آنها، می‌تواند راهی برای مقایسه‌ی دیالوگ در متون نمایشی با مکالمات روزمره باشد. در زبان روزمره، هر چقدر هم که ابهام، تکرار، لغزش و جز آن مشاهده گردد، بافت زبانی، بافت

غیرزبانی و نیز تجربیات مشترک مشارکین، به ادامه و انسجام مکالمه کمک می‌کنند. اما مخاطب متون نمایشی نگاهی متفاوت نسبت به دیالوگ‌ها دارد. او انتظار دارد هر پاره‌گفتار یا نشانه‌ی غیرکلامی، از آن جهت که در قابی ویژه قرار گرفته است، دلالتی افزون بر دلالت معمولش داشته باشد.

۳.۱ پرسش‌های تحقیق

در این رساله سعی خواهد شد تا به این دو پرسش، پاسخهای مناسبی داده‌شود:

۱. نقض قواعد مکالمه چه کارکردی در تبیین روابط قدرت بین مشارکین دارد؟

۲. موارد نقض قواعد مکالمه در کدام جنسیت بسامد بیشتری دارد؟

از آنجایی که این تحقیق صرفاً توصیفی می‌باشد، لذا از ارائه‌ی فرضیه خودداری شده‌است.

۴.۱ ساختار تحقیق

تحقیق حاضر در پنج فصل به اضافه‌ی یک بخش پیوست تهیه شده‌است. فصل اول مقدمه‌ای بر مفاهیم و روش تحقیق است. فصل دوم پیشینه‌ای کوتاه از مطالعاتی است که قبلاً در این زمینه انجام شده‌اند. در فصل سوم چارچوب نظری کار، شامل آراء گرایس، مبحث قدرت و گفتمان دراماتیک، از نظر خواهد گذشت. فصل چهارم به تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده اختصاص دارد. و در نهایت در فصل پنجم حاصل و نتیجه‌ی تحقیق عرضه خواهد شد.

لازم به ذکر است که شیوه‌ی گردآوری داده‌ها به این صورت بوده‌است که ابتدا فیلم‌ها به دقت

و چندین باره بازبینی، و سپس دیالوگ‌های مورد نظر روی کاغذ پیاده شده‌اند.

فصل دوم

پیشینه‌ی مطالعات

۱.۲ مقدمه

در این فصل سعی می‌شود تا به طور خلاصه، گزیده‌ای از آثار قبلی مرتبط با این پژوهش، بررسی و مرور گردند.

در حوزه‌ی کاربردشناسی^۱، به روند شکل‌گیری این حوزه پرداخته می‌شود. در بحث از مکالمه و آراء گرایس، تعاریف مختلف از مفهوم مکالمه، کاربرد آراء گرایس در ارتباط با متون ادبی، نمایشی، طنز، منظوره‌های ضمنی قرآن و بررسی مکالمات تلفنی مورد اشاره قرار خواهند گرفت. همچنین مواردی از مطالعات پیشین در باب گفتمان دراماتیک و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن با زبان روزمره، ذکر خواهد شد.

۲.۲ کاربردشناسی

مالینوفسکی^۲ (۱۹۲۳) معتقد است زبان بیانِ تفکر نیست، بلکه بخشی از فعالیت‌های عادی محسوب می‌گردد؛ از این رو باید تمایز سوسوری بین زبان و گفتار را کنار گذاشت. اعتقاد وی مبنی بر وجود معنای کلمات در کاربرد آنها، و نیز بافت بنیاد بودن کارکردهای زبان، در دهه‌ی پنجاه میلادی مجدداً از سوی ویتگنشتاین^۳ مطرح شد (مارمیریدو^۴ ۲۰۰۰، صص ۱۵-۶).

هنگولد و مکنزی^۵ (۲۰۰۸) ویژگی‌های صوری کنش‌های گفتمانی را از دیدگاهی نقش‌گرا مورد تحلیل قرار دادند. این ویژگی‌ها نشان‌دهنده‌ی اهداف دوگانه‌ی مشارکین هستند: ۱- تعامل موفق در سطح بینافردي ۲- انتقال اطلاعات گزاره‌ای در الگوی بازنمودی.

هنگولد و مکنزی (همان) مفهوم معنای گوینده را نیز مطرح می‌کنند. این معنا شامل تمام چیز-هایی است که گوینده قصد دارد در تعامل با مخاطب به آنها اشاره کند. در این طرح مفاهیمی که به

¹ Pragmatics

² Malinowsky

³ Wittgenstein

⁴ Marmaridou

⁵ Hengeveld and Mackenzie

واسطه‌ی تعامل به مخاطب منتقل می‌شوند، به گوینده وابسته‌اند؛ در حالیکه مفاهیم گزاره‌ای لزوماً چنین حالتی ندارند. به عنوان مثال، در اینجا کنایه تعاملی است که در دو سطح صورت می‌پذیرد:

۱- ایجاد مفهوم گزاره‌ای که در تضاد با عقاید گوینده است و ۲- انتقال این مفهوم به مخاطب.

گافمن^۱ (۱۹۷۶) محدودیت‌هایی را که حاکم بر ارتباط انسان‌ها می‌داند، به دو بخش نظام و تشریفات تقسیم می‌کند. وی مواردی نظیر نوبت‌گیری، اصلاح و تشخیص پیام را از محدودیت‌های نظام برمی‌شمرد. از محدودیت‌های تشریفات نیز به انتظار و وجهه^۲ اشاره دارد (به نقل از امرالهی ۱۳۸۸، ص ۱۹). او قواعد مکالمه‌ی گرایس را جزء محدودیت‌های نظام می‌داند. بر این اساس، تنها در صورتی ارتباط واقعی برقرار می‌شود که مشارکین قواعد چهارگانه‌ی مکالمه را به عنوان معیارهای همکاری در ارتباط در نظر بگیرند (همان).

نظریه‌ی معنای ضمنی مکالمه در سال ۱۹۶۷ و توسط پل گرایس شکل گرفت. او اعتقاد داشت زبان طبیعی، بر خلاف زبان منطقی، الحاقی است بر معنای ظاهری آنچه به بیان در می‌آید (رمضان-زاده ۱۳۸۶، صص ۴۹-۵۲).

به جز نظریه‌ی گرایس، نظریه‌ی مهم دیگری که در حوزه‌ی کاربردشناسی مطرح است، نظریه‌ی کنش‌های گفتاری^۳ نام دارد. این نظریه توسط جی ال آستین^۴ بین سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۵ ارائه شد. پس از مرگ آستین، شاگردش جان سرل^۵ نظریه‌ی او را اصلاح، نظام‌مند و پیشرفته‌تر کرد. به زبان ساده، این نظریه بر این باور است که ادای کلام یعنی (بخشی از) انجام دادن یک کار، یا به عبارت دیگر، کلمات یعنی (بخشی از) اعمال (هوانگ^۶، ۲۰۰۶).

¹ Goffman

² Face

³ Speech Acts

⁴ J. L. Austin

⁵ John Searle

⁶ Huang

یکی از اولین کاربردهای نظریات کاربردشناسی در تحلیلِ درام، خوانشِ استنلی فیش^۱ (۱۹۸۰) از نمایشنامه‌های شکسپیر است. وی از نظریه‌ی کنش‌های گفتاری و از چارچوب سرل برای تفسیر تراژدی در تنش‌های بینافردی استفاده کرده‌است (هرمان^۲ ۱۹۹۵، ص ۲۱۱).

۳.۲ مکالمه و آراء گرایس

گامپرز^۳ (۱۹۸۲) مکالمه را فعالیتی اجتماعی می‌داند که نیاز به تلاش‌های مرتبط دو یا چند فرد دارد.

پونروتو^۴ (۲۰۰۳) مکالمه را رویدادی ارتباطی می‌داند که پویا و وابسته به بافت است، و محدودیت‌های جهانی جاری شدن در زمان و تبدیل سریع متغیرهای روانی-زبانی، بر آن حاکم می‌باشند. این تبدیل شدن، مشارکین را وادار می‌کند تا به سرعت فرضیات خود را برای همراه شدن با مکالمه تغییر دهند.

کاتهاف^۵ (۲۰۰۵) با استفاده از آراء گرایس به تحلیل طنز در مکالمات پرداخته است و پویایی درون طنز را محصول بازی با طرحواره‌های ذهنی، قواعد مکالمه و الگوهای ژانری می‌داند. همه‌ی اینها، در نهایت، به تداعی‌های غیر معمول و برآورده نشدن انتظارات می‌انجامد.

حال از میان رساله‌های فارسی، که در آنها از نظریه‌ی گرایس برای مطالعه‌ی متون مختلف استفاده شده‌است، تعدادی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

صرامی (۱۳۷۱) طنز سیاسی-اجتماعی را از دیدگاه زبان‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌است. وی داده‌های مورد نظرش را از چهار نشریه‌ی گل‌آقا، خورجین، طنز و کاریکاتور و جوالدوز استخراج

^۱ Stanley Fish

^۲ Herman

^۳ Gumperz

^۴ Ponterotto

^۵ Kotthoff

نموده‌است. او نتیجه گرفت که در اکثر مواقع، قواعد گرایس رعایت می‌شوند. در مواردی نیز که این قواعد نقض شده‌اند، بیشترین موارد نقض در مورد قاعده‌ی کیفیت رخ داده‌است. پس از آن به ترتیب، قواعد شیوه، کمیت و ارتباط قرار دارند. همچنین او معتقد است که طنزهایی که به واسطه‌ی نقض قاعده‌ی کیفیت حاصل می‌شوند، مخاطب آنها را با تلاش کمتری درک می‌کند؛ اما در موارد دیگر درک طنز، مستلزم آگاهی کافی از مسائل اجتماعی و سیاسی است.

شایسته‌پیران (۱۳۷۴) در پژوهش خود، مکالمات تلفنی فارسی را از دیدگاه تحلیل‌گفتمان مورد بررسی قرار داده‌است. وی معتقد است مشارکت‌کنندگان در مکالمات تلفنی، بر اساس دانش مشترکشان، گفته‌های یکدیگر را درک می‌کنند. او دانش مشترک را شامل فرهنگ، آداب و رسوم و اصطلاحات مشترک تعریف کرده‌است. در این پژوهش از نظریه‌ی استنباطی گرایس به عنوان یکی از اندیشه‌های جانبی حوزه‌ی تحقیق یاد شده‌است.

پیمانی (۱۳۷۶) در رساله‌اش به بررسی منظوره‌های قرآنی در مکالمات این کتاب مقدس می‌پردازد. وی آماری از موارد نقض قواعد گرایس در قرآن به دست می‌دهد که بر اساس آن، بیشترین موارد نقض مربوط به قاعده‌ی کمیت است و کمترین میزان نقض به قاعده‌ی شیوه باز می‌گردد.

تحلیل آگهی‌های بازرگانی با استفاده از قواعد گرایس، موضوعی است که فولادی (۱۳۸۰) روی آن متمرکز شده‌است. وی ابتدا به نقش زبان در رسانه‌های گروهی اشاره می‌کند و سپس تبلیغات را از دید اجتماعی و نشانه‌شناختی بررسی می‌نماید. در بحث کاربردشناسی تبلیغات نیز، به راهبردهای کلامی تبلیغات اشاره کرده، و در نهایت اعلام می‌نماید که در تبلیغات از زبان غیرمستقیم استفاده می‌گردد. وی همچنین آماری به این شرح، از میزان نقض گرایس ارائه می‌نماید:

۳/۴۳ درصد نقض قاعده‌ی کمیت؛ ۶/۴۱ درصد نقض قاعده‌ی ارتباط؛ ۶/۴۶ درصد نقض قاعده‌ی شیوه؛ و ۲۵ درصد نقض قاعده‌ی کیفیت.

امراهی (۱۳۸۸) نیز در رساله‌ی خویش از قواعد مکالمه‌ی گرایس برای تحلیل گفتمان دراماتیک

در نمایشنامه‌های «اکبر رادی» استفاده کرده‌است. به اعتقاد وی، ماهیت مکالمه‌ای و منش گفتمانی درام، این متون را به موضوعی مناسب برای بررسی چگونگی نمود آراء گرایس تبدیل می‌کند. نتایجی که امرالهی از این پژوهش ارائه کرده، به این شرح‌اند: ۱- تفاوت زبان روزمره و زبان درام و همچنین محدودیت‌های حاکم بر متون نمایشی، نیاز به تغییر در تعریف اصل همکاری را ایجاد می‌کند. ۲- برای تعریف بافت، علاوه بر بافت زبانی و غیرزبانی، باید دستور صحنه و همچنین بافت فراگیر موقعیت و ویژگی‌های مشارکین را در نظر داشت. ۳- با توجه به انگیزته بودن متون نمایشی، نیاز به قائل شدن به پیوستار معانی ضمنی روشن می‌شود. ۴- باید مفهوم «از پیش انگاری»^۱ را نیز به اصل همکاری گرایس اضافه کرد. ۵- چگونگی رعایت و یا نقض قواعد مکالمه، می‌تواند به عنوان یک ابزار زبانی برای تشریح ویژگی شخصیت‌ها، توسط نویسنده مورد استفاده قرار بگیرد.

۴.۲ گفتمان دراماتیک^۲

بیرچ^۳ (۱۹۹۱) معتقد است که زبان اصولاً ماهیت دیالوگی دارد و اینکه زبان درباره‌ی روابط تعاملی و ساخت‌های گفتمانی است و به روابط میان ساختارهای زبانی محدود نمی‌شود (به نقل از امرالهی ۱۳۸۸، ص ۳۶).

الام^۴، در کتاب *نشانه‌شناسی تئاتر و درام* (۱۹۹۸، [۱۳۸۹] صص ۱۷۰ و ۱۷۱) معتقد است که تعیین شخصیت‌های دراماتیک در حکم شرکت‌کنندگان در رویدادهای ارتباطی و اهدای نقش گوینده و شنونده، مستلزم وجود مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و توانایی‌هاست:

۱- توانش زبانی (تسلط بر قواعد واجی، صرفی، نحوی و...)

۲- توانش ارتباطی یا نشانه‌شناختی، دربرگیرنده‌ی قواعد روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی

۳- دانش زمینه‌ای برای تعیین موقعیت افراد، چیزها و رویدادها در دنیای دراماتیک

^۱ Presupposition

^۲ Dramatic Discourse

^۳ Birch

^۴ Elam

۴- موقعیت اجتماعی آشکار یا ضمنی برای تعیین نقش‌های گوینده و شنونده

۵- دارا بودن مجموعه‌ای از اهداف در حکم گوینده

۶- توانایی گوینده در پذیرش نقش شنونده و برعکس

۷- توانایی آفریدن دنیا‌های غیرواقعی

آلساندرو سرپیری^۱ (۱۹۷۸) روشی برای تقطیع متون دراماتیک بر اساس تحلیل گفتمان ارائه کرده‌است. در این روش، واحد اصلی «جهت‌گیری اشاره‌ای» منفردی است که گوینده اتخاذ می‌نماید: گوینده هر بار با تغییر جهت اشاره‌ای، یک «تو» جدید را به عنوان مخاطب در نظر می‌گیرد (به نقل از امرالهی ۱۳۸۸، ص ۴۲).

میک شورت^۲ (۱۹۸۹، صص ۱۵۹-۱۴۱) تحلیل گفتمان را در ارتباط با متون دراماتیک مورد بحث قرار داده‌است: نظریه‌ی کنش‌های گفتاری آستین و سرل می‌تواند در درک سطح اجتماعی شخصیت‌ها و روابط میان آنها مورد استفاده قرار بگیرد. او اعتقاد دارد که دانش ما درباره‌ی پاره‌گفتارهای عادی، به ما کمک می‌کند تا در هنگام تولیدات متفاوت، معانی خاص آنها را درک نماییم.

کروگر^۳ (۲۰۰۴، ص ۱۲) در باب شباهت گفتمان دراماتیک و مکالمات روزمره می‌گوید دیالوگ در متون دراماتیک معمولاً مشابه زبان روزمره و ارتباط رو در رو می‌باشد؛ یعنی به گونه‌ای آن را نوشته‌اند که برای خواننده شدن مناسب باشد. نشانه‌های درگیری مشارکین در مکالمات دراماتیک نیز به مکالمات رو در رو و عادی شباهت دارد.

حال به بررسی دو رساله از محققان ایرانی می‌پردازیم که در ارتباط با گفتمان دراماتیک نوشته‌اند:

محمودی (۱۳۸۳) با بررسی رساله‌ی «فی حقیقت العشق» سهرودی، به ویژگی‌های دراماتیک آن

اشاره کرده و معتقد است گفتگوی میان شخصیت‌ها می‌تواند شاهدهی بر نمایشی بودن آن باشد.

¹ A. Serpieri

² Mick Short

³ Kruger